

بازشناسی مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری

سارا سوهانگیر - دانشجوی دکتری تخصصی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
محمدرضا نصیرسلامی* - دکتری معماری، استادیار و عضو هیأت علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده

این مقاله نوشتاری پیرامون شناسایی برخی از مهم‌ترین مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری است. یکی از بسترهای پژوهشی که امروزه در حوزه نظری معماری معاصر مطرح است، بحث فضای معماری و نحوه ادراک آن است. که در این میان صاحب‌نظرانی مانند پیترو زومتور، یوهانی پالاسما، رودولف آرنه‌ایم، والتر بنیامین، مارک اوژه و غیره نظریاتی را در مورد چگونگی ادراک فضای معماری مطرح کرده‌اند ولیکن خود معماران همواره بر این باورند که ابزاری که برای نمایاندن فضای ساخته‌شده در اختیار دارند برای چنین امری کامل و کافی نیست یعنی همواره مولفه‌هایی در زمینه ادراک حسی فضای معماری وجود دارد که معماران قادر به انتقال آنها از راه ابزار موجود نیستند چرا که این مولفه‌ها شامل مولفه‌های شناخته‌شده پیشین نیستند. مولفه‌هایی که چه‌بسا اهمیتی هم‌پایه با سایر مولفه‌های ظاهری همیشگی داشته باشند و نوع حضور هر یک از آنها تغییرات قابل توجهی را در نحوه ادراک انسان از فضا ایجاد کند. این پژوهش با تکیه بر روش پژوهش کیفی و تحلیلی بازمینه‌ای مبتنی بر بررسی چگونگی ادراک فضا از دیدگاه علوم مختلف آغاز شده و به تدریج وارد حوزه شناخت بیشتر از مقوله ادراک حسی و مفاهیم مرتبط با آن می‌شود. هدف از این نوشتار، بازشناسی و توجه به زوایای پنهانی است که در ادراک فضای معماری نقش قابل توجهی دارند ولی در اکثر مواقع مورد غفلت واقع می‌شوند. شناخت این مولفه‌ها می‌تواند یاری‌گر معماران در ارتقاء کیفیت طراحی آنها از طریق شناسایی مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری باشد. پرسش پژوهشی مطرح‌شده در این تحقیق عبارت است از اینکه: مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری شامل چه مواردی می‌باشد؟ و هر یک از این مولفه‌ها چگونه از طریق کاربر فضا ادراک می‌شوند؟ در نهایت و در پاسخ به پرسش پژوهشی مطرح‌شده، مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری شامل ۱۲ مورد مطرح می‌شوند و برای هر یک معادل‌هایی از به‌کارگیری آن مولفه در طراحی فضای معماری آورده می‌شود؛ چهار مورد برگرفته از مطالعات نظری پایه که شامل مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک آشکار (بالفعل) فضای معماری هستند (مولفه‌های فرهنگ، جنسیت، سن و رنگ) و ۸ مورد که توسط نگارنده اضافه شده است و شامل مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک پنهان (بالقوه) فضای معماری هستند (مولفه‌های زمان، تأثیر عاطفی، معنا، ادراک جسمی، ادراک روانی، شهود، هم‌نشینی حواس و حضور انسان).
واژگان کلیدی: ادراک حسی، فضای معماری، مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی، ادراک آشکار (بالفعل)، ادراک پنهان (بالقوه).

Recognition of factors that influence The perception of architectural space

Abstract

This article is written to identify some hidden factors influencing the perception of architectural space. One of the comments in the context of today's contemporary architecture is the architectural space and how it is perceived. In the meantime, experts such as Peter Zumthor, Juhani Pallasmaa, Rudolf Arnheim, Benjamin, Marc Augé and so have ideas about the manner of perception of architectural space. But the architects have always been raised to believe that a tool for revealing space it is not sufficient that there are elements in the perception of architectural space that architects aren't able to transfer them from the available tools because these components include components that are not previously known. Components that are perhaps have equal importance with other external factors. Make changes in the type of each of them has serious effect on human perception of space. The purpose of this article is recognition and attention to the hidden aspects that have a significant role in the perception of architectural space but are often neglected. Knowing these components help architects improve the quality of their designs by identifying factors that influence the perception of architectural space. The posed research question in this research is that: What are the hidden factors that influence the perception of architectural space? And how each of these components is perceived through the user of space? Finally, by more recognition of the hidden factors that influence the perception of architectural space, the spaces can be tailored to the needs of modern man's Creator, so that he can be somewhat of a permanent wandering past in the hope of being saved. Creating spaces that not only for today's needs, but also carries features that link the supplier of the inside and outside senses and can prevailing human senses simultaneously and can be held accountable.

Keywords: Sensory perception, Architectural Space, Factors that influence the sensory perception, Expose perception, Hidden perception.

* این مقاله برگرفته از مباحث نظری پایان‌نامه دکتری تخصصی معماری، سارا سوهانگیر با عنوان «معماری حواس؛ انگارسازی مولفه‌های حسی در فضای معماری» است که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران- مرکزی، به راهنمایی جناب آقای دکتر محمدرضا نصیرسلامی و مشاوره جناب آقای دکتر سیمون آیوزیان انجام شده است.

در زندگی روزمره در زمان‌های هشیاری، (دست‌کم به نظر می‌رسد) ارتباط مستقیم و پیوسته‌ای با جهان بیرون از خود داریم؛ بی‌وقفه و (ظاهراً) بدون هیچ واسطه‌ای، اطلاعاتی از بیرون به ما می‌رسد. وقتی در خیابان قدم می‌زنیم، وزش باد را روی پوستمان استشمام می‌کنیم، طعم شیرین شکلاتی را که در دهانمان قرار دارد، می‌چشیم، صدای بوق خودروها، سر و صدای مغازه‌داران و همه‌همه عابران پیاده را می‌شنویم، و خیابان، خودروها، انسان‌ها، ساختمان‌ها و بسیاری چیزهای دیگر را می‌بینیم. در این لحظه، اطلاعات بسیاری را از محیط بیرون از خودمان دریافت می‌کنیم: از رنگ و شکل اشیاء و افراد بیرونی گرفته تا صداها، بوها، طعم‌ها و کیفیات بساویسی همچون سفتی کف پیاده‌رو. این اطلاعات را از طریق چیدن مقدمات، تحلیل، بررسی و تأمل به‌دست نمی‌آوریم، بلکه این انبوه اطلاعات گوناگون بدون هیچ مقدمه‌چینی و تأملی و به‌طور زنده و مستقیم از طریق اندام‌های خاصی به‌دست می‌آیند. این شیوه به‌دست آوردن اطلاعات «ادراک حسی» نام دارد. به‌طور سنتی، پنج نوع حس بیرونی^۱ وجود دارد: بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و بساویسی که هر یک از این پنج حس، اندام حسی خاص خود را دارند (کرین، ۱۳۹۱، ص ۹). با توجه به آنچه ذکر شد، حواس انسان نقش مهمی در ادراک محیط پیرامون او ایفا می‌کنند. بنابراین هرچه شناخت انسان نسبت به این حواس کامل‌تر باشد، با دقت بیشتری می‌توان از چگونگی فرآیند ادراک توسط آنها سخن به میان آورد. چنانچه از پژوهش‌های موجود مشخص است، عوامل بسیاری بر ادراک حسی انسان از فضای پیرامونش تأثیرگذارند که از آن جمله می‌توان به مولفه‌های محیطی (مانند نور، صوت، رایحه و غیره) و مولفه‌های کالبدی (مانند فرم، رنگ، مصالح و غیره) اشاره کرد. لکن در این میان مولفه‌های دیگری نیز وجود دارند که به‌صورت مستقیم و گاه غیرمستقیم بر ادراک انسان از فضای پیرامونش موثرند ولی به اندازه مولفه‌های پیش‌گفته شناخته شده نیستند. این نوشتار در نظر دارد به بازشناسی مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری پردازد.

روش تحقیق

روش تحقیق، کیفی، از نوع تحلیل محتوا و بر استدلال

منطقی مباحث استوار است. هم‌چنین مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای اساسی بیان، تحلیل و تفسیر مطالب موجود در این مقاله را تشکیل می‌دهند. پژوهش کیفی به تفسیر شرایط می‌پردازد و بر نقش محقق به‌منزله عنصری حیاتی در نتیجه حاصل از تحقیق تأکید خاص دارد (گروت، ۱۳۸۹، ص ۸۸). این پژوهش به پژوهشگر امکان آن را می‌دهد که با موضوع تعامل داشته باشد، برای گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها از روش‌های انعطاف‌پذیری استفاده کرده و پدیده‌های مورد مطالعه را از دیدگاهی جامع مورد ملاحظه قرار می‌دهد (حریری، ۱۳۹۰، ص ۵). پرسش پژوهشی؛ پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه: مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری شامل چه مواردی می‌باشد؟ و هر یک از این مولفه‌ها چگونه از طریق کاربر فضا ادراک می‌شوند؟

پیشینه پژوهش

این پژوهش با زمینه‌ای مبتنی بر بررسی چگونگی ادراک فضا از دیدگاه علوم مختلف آغاز گردیده و به تدریج وارد حوزه شناخت بیشتر از مقوله «ادراک حسی» و مفاهیم مرتبط با آن شده است. در این راستا، پس از مطالعه اولیه منابع مرتبط با این مفهوم، به دلیل گستردگی وجود این مبحث در حوزه‌های مختلف، یک طبقه‌بندی اولیه جهت شناخت گروه‌های مختلف بررسی‌کننده مقوله «ادراک حسی» انجام گرفته است. (جدول ۱) سپس سطوح متفاوت برخورد با آن نیز، جهت آگاهی و شناخت بیشتر حوزه انتخابی مورد بررسی قرار گرفته است. (جدول ۲)

پس از شناخت گروه‌های مختلف بررسی‌کننده این مقوله و سطوح متفاوت برخورد آنها، به دلیل عدم امکان بررسی ادراک حسی به‌صورت کاملاً علمی (که در مقوله علم فیزیکی و شیمی قرار گرفته و حوزه‌ای کاملاً تخصصی می‌باشد) و عدم تمایل به پژوهشی صرفاً توصیفی (برخورد پدیده‌شناسانه)؛ برخورد میانه و صاحب‌نظران مطرح در آن حوزه انتخاب شده و مورد بررسی دقیق‌تر قرار گرفتند. برخی از این افراد که با رویکردی پدیده‌شناسانه و میانه (تجربی و منطقی) به بررسی ادراک حسی و مفاهیم مرتبط با آن پرداختند عبارتند از: «یوهانی پالاسما»^۲، «پیتر زومتور»^۳، «رودولف آرناهم»^۴، «هنری لفور»^۵، «والتر بنیامین»^۶ و

جدول ۱. طبقه‌بندی گروه‌های مختلف بررسی‌کننده مقوله «ادراک حسی»، تدوین: نگارنده، ۱۳۹۶.

طبقه‌بندی گروه‌های مختلف بررسی‌کننده مقوله «ادراک حسی»	پدیدارشناسان	فیلسوفان		
		فیلسوف - معماران		
	دانشمندان و فیلسوفان علم	علوم تجربی	علوم اجتماعی	لفور، بنیامین، فوکو، گومز، لنگ، اوژه
			علوم طبیعی	مک‌هارگ، سایمون بل
		علوم محض (ریاضیات و منطق)	روان‌شناسی گشتالت	
	هنرمندان	علوم کاربردی (پزشکی و مهندسی)		تیم کرین، ویلاد کوآین، کارناپ
نقاشی، نمایش، مجسمه‌سازی		آرنه‌ایم، آدورنو، دوسترو		

جدول ۲. سطوح متفاوت برخورد با مقوله «ادراک حسی»؛ تدوین: نگارنده، ۱۳۹۶.

سطوح متفاوت برخورد با مقوله «ادراک حسی»	برخورد پدیدارشناسانه	
	برخورد میانه (تجربی و منطقی)	
	برخورد منطقی و علمی	
	پالاسما، زومتور، شولتز	آرنه‌ایم، آدورنو، دوسترو، بنیامین، اوژه
	تیم کرین، ویلاد کوآین، کارناپ	

به نقل از پیتر زومتور: یک معماری خوب وابسته به حواس است. ما باید به مولفه‌هایی از فضا که ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند توجه کنیم. اینکه اتاقی که در آن وارد می‌شویم دارای چه شکلی است؟ چه رایحه‌ای در هوای آن وجود دارد؟ صدای برخاسته از گام‌های ما در آن چگونه است؟ کف زمین چگونه در زیر پای ما احساس می‌شود؟ دستگیره در چگونه در دست‌انمان جای می‌گیرد و نور چگونه به نمای ساختمان برخورد پیدا می‌کند؟ درخشش بر روی دیوارها چگونه است؟ فضا حسی از تنگی یا فراخی دارد؟ آیا فضای موردنظر احساسی از صمیمیت در شما ایجاد می‌کند و یا احساسی از گم‌شدن در فضا؟ کف‌های چوبی سبک، سنگ‌های سنگین، بافت‌های نرم، گرانت‌های صیقل‌خورده، چرم‌های منعطف، فولادهای خام، شیشه‌های کریستالی، آسفالت گرم نرم شده از نور خورشید و غیره، همگی مصالح یک معمار هستند. (Zumthor, 1988: 59)

به نقل از والتر بنیامین: ادراک حسی انسان، در خلال دوره‌های طولانی تاریخ، همگام با کل شیوه زندگی او تغییر می‌کند. در تعیین نوع سازمان‌دهی ادراک حسی انسان و رسانه آن، نه فقط طبیعت، بلکه موقعیت‌های تاریخی نیز دخیل‌اند. (نیک‌فرجام، ۱۳۷۷، صص ۲۱۳ و ۲۱۴) به اعتقاد بنیامین، عکاسی و فیلم، با ایجاد تحول در شیوه ادراک ما، تجلی را از هم گسیخته است. زیرا به دلیل سرعت بالای

«مارک اوژه»^۷؛ که از میان آنها «یوهانی پالاسما» و «پیتر زومتور» در زمینه اهمیت هم‌نشینی تمامی حواس در مقوله ادراک حسی و اهمیت آن در معماری و «والتر بنیامین» و «مارک اوژه» در خلال نقدهایی که به ویژگی‌های اثر هنری (بنیامین) و فضای شهری و زندگی مردم (اوژه) در دوران معاصر وارد می‌کنند، توجهی ویژه نیز به مقوله ادراک حسی و تغییر آن، پس از دوران مدرن داشته‌اند.

به نقل از یوهانی پالاسما: از زمان یونان باستان، نوشته‌های فلسفی تمامی دوران به استعاره‌های بصری محدود شده‌اند. تا جایی که معرفت در حد بصیرت بلاواسطه تنزل یافته و به نور به‌عنوان استعاره‌ای برای حقیقت نگریسته می‌شود. شکی نیست که فرهنگ تکنولوژیک، ادراکات حسی ما را به نظم درآورده و آشکارا از یکدیگر مجزا ساخته است. بینایی و شنوایی به‌عنوان ادراکات حسی برتر شناخته می‌شوند در حالی که سه حس دیگر به‌عنوان ادراکات منسوخ می‌شوند در نظر گرفته شده‌اند که کاربرد آنها کاملاً محدود بوده و معمولاً توسط نظام فرهنگی سرکوب می‌شوند. در نظام فرهنگی بینایی محور و پالوده شده، فقط حس‌هایی همانند لذت بویایی غذا، بوی خوش گل‌ها و غیره مجوز ورود به آگاهی جمعی را دارند. بینایی ما را از جهان جدا می‌کند در صورتی که سایر ادراکات حسی ما را با جهان پیرامون متحد می‌سازند (پالاسما، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

آن امکان ادراکی عمیق و تعمق بر روی مفاهیم را از انسان می‌گیرد. بدین ترتیب؛ برای نخستین بار در روند تکثیر تصاویر، عکاسی دست را از انجام مهم‌ترین کارکردهای هنری خود معاف کرد و کار را به چشمی که از میان یک عدسی به جهان می‌نگرد سپرد (طهوری، ۱۳۸۴، ص ۵۹).

به نقل از مارک اوژه: سه تحول شاخص دوران معاصر عبارتند از: فراوانی بیش از اندازه رخدادها، فراوانی بیش از اندازه فضاها و فردی شدن مرجع‌ها. که همه این عوامل بر روی نحوه ادراک انسان نیز تأثیرگذار است. (اوژه، ۱۳۸۷، ص ۶۲). ما در عصر تغییر مقیاس‌ها هستیم، نه تنها به واسطه تسخیر فضا، بلکه در روی زمین نیز: وسایل حمل و نقل سریع، پایتخت هر کشور را در فاصله چند ساعتی پایتختی دیگر قرار داده‌اند (اوژه، ۱۳۸۷، صص ۵۲ و ۵۳).

لازم به ذکر است، علاوه بر تأثیرگذاری مباحث مطرح‌شده توسط پالاسما، زومتور، بنیامین و اوژه در حوزه ادراک حسی، افراد دیگری نظیر «بومه»^۸، «لفور»، «مرلوپونتی»^۹ و «فوکو»^{۱۰} نیز نظریاتی متفاوت و حائز اهمیت در رابطه با این مبحث ارائه داده‌اند که به‌طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود.

به نقل از بومه: با توجه به علم عصب‌شناسی در میان تمام انواع ادراک، یک نوع خاص از ادراک وجود دارد که مربوط به ارگان حسی خاص نمیباشد. وقتی انسان زیر سایه درخت می‌رود، نمی‌تواند احساسش را با ارگان خاصی تجربه کند. عمل دیدن وجود دارد، اما این دیدن، دیدنی دیگر است و دیدن معمولی نیست. در دیدن، فاصله وجود دارد اما اینجا متفاوت است. چیزی که در این تجربه مستتر است، «احساس حضور تنانی درخت» است. بنابراین حس کردن حضور یا حاضر بودن چیزی، اصلاً وابسته به ارگان‌های حسی خاص نیست. یک مثال دیگر زمانی است که انسان بدون شنیدن صدایی، متوجه حضور و نزدیک شدن فردی می‌شود. بنابراین، حضور، تحت تأثیر فشرده شدن محیط ادراک می‌شود و نه به وسیله یک ارگان حسی خاص (حیوانات در این زمینها بسیار قوی‌تر از انسان‌ها هستند (Bomhe, 2013: 56).

به نقل از لفور: هنری لفور در کتاب «تولید فضا»^{۱۱} اعلام می‌دارد: ما در گذشته اشیاء را تولید می‌کردیم، ولی اکنون باید از «تولید خود فضا» صحبت شود. به اعتقاد وی سطوح

گوناگون فضا عبارتند از: فضای مطلق (فضای غار، قله، چشمه، رودخانه)، فضای تاریخی (فضاهای روستاها، شهرها و بناهای تاریخی) و فضای انتزاعی (فضاهای هیبریدی دوران معاصر). به اعتقاد لفور «لحظه‌ها» در تولید فضاهای معاصر نقش پررنگی دارند. لحظه عبارت است از تغییرات ناگهانی که منجر به تغییر و گسست در نظم روزمره شود مانند عشق، بازی، کار و دانش. به‌زعم وی سه بُعد ادراکی فضا عبارتند از: «فضای دریافته»^{۱۲} (ادراکی)، «فضای انگاشته»^{۱۳} (ذهنی) و «فضای زیسته»^{۱۴} (زندگی روزمره) (امیری، ۱۳۹۱، صص ۲-۱۵).

به نقل از مرلوپونتی: بدن انسان نقش مهمی در ادراک ایفا می‌کند (جسمیت‌یافتگی ادراک). به اعتقاد وی ذهنیت و جسمانیت، مولفه‌های کاملاً درهم‌تنیده یک جوهر بنیادین محسوب می‌شوند و نوعی رابطه و سیالیت میان بدن شناسنده و شناخته وجود دارد. از دوره سقراط و افلاطون، همواره بدن به‌عنوان یک نقیصه و مانع و اخلاک‌گر قلمداد می‌گردیده که باعث عدم ایجاد تمرکز می‌شده است و انسان را از رسیدن به حقیقت بازمی‌داشته، در حالی که مرلوپونتی این دیدگاه را به چالش می‌کشد (یزدخواستی، ۱۳۸۷، صص ۱۳۱-۱۳۳).

به نقل از فوکو: در سلسله مراتب ادراکی گروه‌های مختلف انسانی و جنسیتی (کودک، مرد، زن، سالمند) تفاوت وجود دارد. وی از تفکیک حوزه‌های مختلف سکسوالیته صحبت می‌کند؛ سکسوالیته‌هایی که در سنین متفاوت بر اساس نوع شناخت و ادراک در آن سنین ظهور پیدا می‌کنند مانند سکسوالیته شیرخوارگان یا کودکان، سکسوالیته معلم-دانش‌آموز، پزشک-بیمار یا روان‌پزشک-دیوان و سکسوالیته وابسته به مکان مانند سکسوالیته خانه، مدرسه، محل کار و زندان (فوکو، ۱۳۹۲، ص ۵۸)؛ بنابراین آنچه از بررسی پیشینه پژوهش مشخص است، نشان‌دهنده میزان اهمیت مقوله «ادراک حسی» به‌عنوان یک زمینه مستقل قابل بحث، و یا به‌عنوان بخش قابل توجهی از فرآیند ادراک فضای معماری است. به‌گونه‌ای که امروزه یکی از رویکردهای مورد توجه معماران، رویکردهای طراحی مبتنی بر حواس و مقوله‌های مرتبط با آن است.

چارچوب نظری / مفهومی پژوهش

چارچوب نظری تحقیق عبارت است از نظریه‌ای که از سوی پژوهشگر، متناسب با مسئله پژوهش تشخیص

داده شده و طبعاً توسط وی جهت تحلیل داده‌ها بر اساس اصول و قواعد آن نظریه، انتخاب شده باشد. در این نوشتار به منظور بازشناسی هر چه بهتر مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری، این مولفه‌ها در حیطه ادراک فضای معماری مورد بررسی قرار گرفته است. مولفه‌های معرفی شده شامل مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک آشکار (بالفعل) فضای معماری (فرهنگ، سن، جنسیت و رنگ) و مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک پنهان (بالقوه) فضای معماری (زمان، تأثیر عاطفی، معنا، ادراک جسمس، ادراک روانی، شهود، هم‌نشینی حواس و حضور انسان) می‌باشند.

مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک آشکار (بالفعل) فضای معماری ۱- مولفه «فرهنگ»

انسان‌شناسی جهان‌های معاصر چندگانگی فرهنگ‌ها را می‌پذیرد ولی این را نیز می‌پذیرد که هم در میان فرهنگ‌های مختلف استندهای مشترکی وجود دارند و هم درون هر فرهنگی تفاوت‌هایی. فرهنگ، اگر خواسته باشیم این مفهوم هنوز هم تا حدی کاربردی باقی بماند، دیگر نمی‌تواند به‌مثابه مجموعه‌هایی از دانسته‌هایی مطرح شود که صددرصد مردم یک جامعه در آن شریک باشند (اوژنه، ۱۳۹۳، صص ۳۰ و ۳۱). در زمینه تأثیر مولفه فرهنگ بر ادراک حسی فضای معماری می‌توان نمونه‌هایی را به‌منظور شفافیت بیشتر موضوع مطرح کرد. برای نمونه می‌توان به تفاوت موجود میان فرهنگ‌های مدیترانه‌ای و اروپای شمالی در استفاده از فضاها (اعم از فضاها داخلی و فضاها شهری) اشاره داشت. در

فرهنگ مدیترانه‌ای علی‌رغم تأکید بر خصوصی‌سازی فضاها و حفظ حریم‌های جنسیتی (برای نمونه در فضاها داخلی و در رستوران‌ها)، در فضاها شهری این حریم‌ها تقلیل پیدا می‌کند، به‌گونه‌ای که استفاده از حواس بویایی و بساویی در بازارچه‌های آنها بسیار بیشتر از فرهنگ‌های آمریکایی و اروپای شمالی است. البته باید توجه داشت این دوگانگی رفتاری، در واقع ریشه در فرهنگ و سنت این دو گروه دارد. (تصاویر ۱ و ۲)

۲- مولفه «جنسیت»

نتایج کلی پژوهش‌ها حاکی از آن است که مردان نسبت به زنان فضای شخصی بزرگ‌تری دارند، و فاصله‌ای که افراد از مردان می‌گیرند معمولاً بیشتر از زنان است. با این حال در پژوهش‌های تفاوت‌های جنسی یک نکته حتماً باید در نظر گرفته شود که آیا کنش متقابل زنان یا مردان با زنان بررسی می‌شود یا با مردان (آلتمن، ۱۳۹۰، صص ۹۱). به‌طور مثال اعضای گروه‌های غیرهم‌جنس (مکرب از یک زن و یک مرد) معمولاً نسبت به اعضای گروه‌های هم‌جنس به هم نزدیک‌ترند. از طرفی حضور زنان در اماکنی مانند مراکز خرید، مدارس بچه‌ها و غیره بیشتر است و از سوی دیگر حضور آنها در ساعت‌هایی که هوا تاریک است و یا مکان‌هایی که مردانه تلقی می‌شوند مانند مراکز فروش ابزار و آلات مکانیکی و یا میدان‌های مسابقات قدرتی بسیار کمتر است. بدین منظور در طراحی فضاها باید به این تفاوت‌های ادراکی از منظر جنسیتی توجه داشت. برای نمونه به‌منظور آنکه زنان نیز در فضاها شهری به‌اندازه مردان احساس



تصویر ۲. کاهش حریم‌ها و فواصل و افزایش به‌کارگیری حواس بویایی و لامسه در طراحی بازارچه‌ها در فرهنگ مدیترانه‌ای. (Lawson, 2001: 85)



تصویر ۱. رعایت فواصل و حریم‌ها در طراحی فضاها شهری جمعی مانند بازارچه‌های شهری موقت، در فرهنگ آمریکایی و اروپایی. (Lawson, 2001: 81)

امنیت کنند، می‌توان از مولفه‌هایی در طراحی برای افزایش میزان حس امنیت در زنان استفاده کرد، مثلاً سکوهایی بیشتری را در پارک برای گردهمایی مردم قرار داد و یا از رنگ‌های گرم در کف‌سازی پیاده‌راه‌ها به منظور القای حس گرمی و امنیت استفاده کرد و غیره (تصاویر ۳ و ۴).

۳- مولفه «سن»

یکی دیگر از مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری، مقوله «سن» است. همان‌گونه که ادراک ما از خانه دوران کودکی خود در آن هنگام با اکنون کاملاً ادراکی متفاوت است. اگر چه مطالعات متعددی در مورد تغییرات تحولی استفاده از فضای شخصی وجود دارد ولی نتایج این مطالعات ناهماهنگ است. بنابراین دقیقاً روشن نیست که کودکان چه وقت از فضا سازی میان خود و دیگران استفاده می‌کنند، اما روان‌شناسان عقیده دارند که فضای شخصی کودکان به شکلی یکنواخت با افزایش سن تحول می‌یابد. کودکان خردسال در مقایسه با کودکان بزرگ‌تر، خیلی نزدیک به هم بازی می‌کنند و بیشتر یکدیگر را لمس می‌نمایند (مک‌آندرو، ۱۳۹۲، صص ۱۶۹ و ۱۷۰). یکی از مواردی که در زمینه طراحی فضای معماری از اهمیت بالایی برخوردار است؛ توجه به سن کاربران فضای طراحی شده با توجه به عملکرد بنا می‌باشد. برای نمونه مقیاس عناصر فضای داخلی در یک مهدکودک با یک دانشگاه به دلیل تفاوت در کاربران آنها کاملاً با یکدیگر متفاوت است. طراحی مبلمان و عناصر فضای داخلی در یک مهدکودک باید به گونه‌ای باشد که کودکان بتوانند با مقیاس خودشان از فضا استفاده

کنند و ارتفاع دستگیره درها از زمین، ارتفاع پنجره‌ها، ارتفاع صندلی‌ها و غیره، همگی می‌بایست در مقیاس تناسب مورد استفاده یک کودک باشد. از طرف دیگر در طراحی خانه سالمندان باید به استفاده از رنگ‌های امیدبخش و فضاهای پرنور روی آورد. (تصاویر ۵ و ۶)

۴- مولفه «رنگ»

یکی از مواردی که در زمینه طراحی فضای معماری از اهمیت بالایی برخوردار است؛ توجه به تناسب رنگ انتخابی غالب جهت طراحی فضای داخلی است. برای نمونه در طراحی فضای داخلی فست‌فودها غالباً از رنگ‌های گرم و سقف‌های کوتاه استفاده می‌شود که دلیل آن هم این است که کاربران به سرعت غذای خود را خورده و محل رستوران را ترک کنند، به دلیل حس جنب و جوش و عدم استقراری که رنگ‌های گرم در کاربر ایجاد می‌کند ولی در رستوران‌های دیگر که با هدف ماندگاری بیشتر کاربر در فضا طراحی می‌شوند، غالباً از رنگ‌های ملایم و گاه با طیف رنگ‌های سرد استفاده می‌شود. یک نمونه دیگر از کاربرد خلاقانه از رنگ‌ها با توجه به ادراک متفاوت کاربران آن فضا، تأکید بر استفاده از یک رنگ غالب با توجه به نیازهای بیماران در هر یک از بخش‌های بیمارستان می‌باشد. برای نمونه با توجه به اینکه نیاز اساسی زنان در بخش زنان و زایمان کسب آرامش و احساس امنیت کافی است، می‌توان در طراحی فضاهای داخلی این بخش از رنگ غالب آبی استفاده نمود. از طرف دیگر می‌توان نظر به روحیات همیشگی مردان در حفظ قدرت و سلامتی‌شان، رنگ قهوه‌ای را به عنوان رنگ غالب



تصویر ۴. قرار دادن فضاهای شهری در میان بافت مسکونی، به منظور افزایش احساس امنیت در زنان هنگام استفاده از فضا. (Lawson, 2001: 42)



تصویر ۳. استفاده از کف‌سازی با رنگ‌های گرم، جهت افزایش احساس امنیت در زنان هنگام استفاده از فضاهای شهری. (Lawson, 2001: 42)



تصویر ۶. طراحی فضای داخلی یک خانه سالمندان، با توجه به نیازهای فرد سالمند از لحاظ استفاده از نور، رنگ و خوانایی در فضا. www.asmonaco.com/en/article



تصویر ۵. طراحی فضای داخلی یک مهدکودک، با توجه به تناسب مورد نیاز کودکان و برانگیختن حس مکاشفه فضا. www.asmonaco.com/en/article

نظر بصری، روشنایی در طول روز تغییر می‌کند. هنگام ظهر خورشید در بالای سر قرار دارد، سایه‌ها کوتاه‌اند، نور شدید است و فاصله‌ها کوتاه‌تر به نظر می‌رسند. هر چه خورشید در آسمان پایین‌تر می‌آید، سایه‌ها بلندتر می‌شوند وقتی خورشید به افق نزدیک می‌شود، سایه‌ها بلند و اغراق‌آمیز به نظر می‌رسند. این در حالی است که محیط در هنگام طلوع و غروب خورشید مسطح‌تر به نظر می‌رسد و رنگ خود را از دست می‌دهد. در این وقت بیننده نسبت به محرک‌های غیربصری مانند بوها و صداها حساس‌تر می‌شود. بالاخره در شب از نظر بصری محیط و منظر دیگری خلق می‌شود. فواصل طولانی‌تر به نظر می‌رسند، دید متوجه آسمان بالای سر می‌گردد و حواس شنوایی، بویایی و چشایی و لامسه ما تشدید می‌شوند (پاکزاد، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰). این ویژگی‌ها می‌توانند امکاناتی برای طراحی فراهم سازند. طراح محیط

در طراحی فضاهای آنها در نظر گرفت. برای بخش کودکان نیز با توجه به اینکه درک کودک از بیماری و از دست دادن سلامتی با بزرگسال متفاوت است. می‌توان از ترکیبی از رنگ‌های طیف گرم (زرد، قرمز و نارنجی) به موجب حفظ روحیه و هیجان آنها در کنار رنگ‌های طیف سرد که جنبه حمایتی دارند (رنگ سبز) استفاده نمود. (تصاویر ۷ تا ۹)

مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک پنهان (بالقوه) فضای معماری
۱- مولفه «زمان»

زمان از لحاظ ریتم‌های متفاوتی که در محیط ایجاد می‌کند بر ادراک محیط تأثیرگذار است. زمان را می‌توان در دوره‌های روزانه و فصلی، توالی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، ریتم‌های منظم و نامنظم در نظر گرفت. این ریتم‌های مختلف بر ادراک محیط اثر مهمی دارد. به‌عنوان مثال از



تصویر ۸. استفاده از رنگ‌های ملایم در طراحی رستوران‌های دیگر با هدف استقرار طولانی مدت کاربران. www.asmonaco.com



تصویر ۷. استفاده از رنگ قرمز در طراحی فست‌فودها، با هدف عدم استقرار طولانی مدت کاربران. www.asmonaco.com



تصویر ۹. (به ترتیب از راست به چپ). استفاده از رنگ‌های آبی (امنیت)، قهوه‌ای (قدرت)، نارنجی و سبز (هیجان و حمایت) در طراحی بخش‌های مربوط به زنان، مردان و کودکان در طراحی فضاهای داخلی یک بیمارستان. www.asmonaco.com

یا شاد، افسرده‌کننده یا روحیه‌بخش بدل می‌کند. از آنجا که همین مطلب در مورد اصوات و داده‌های لامسه نیز صحت دارد، می‌توان گفت هر رنگ معادل صدا یا دمای خاصی است. به‌همین دلیل است که بعضی افراد نابینا در صورت توصیف یک رنگ برای‌شان قادرند به‌کمک قیاس با، مثلاً، یک صدا، تصویری از آن رنگ بسازند (مرلو پونتی، ۱۳۹۱، صص ۵۵ و ۵۶). با توجه به تأثیر عمیق استفاده از عناصر با ویژگی تداعی خاطر، مانند فرش‌های ایرانی به‌خصوص گلیم‌ها و گبه‌های دست‌باف بر روی روح فضای معماری، می‌توان به آنها اشاره کرد (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

3- مولفه «معنا»

برای استفاده از جنبه‌های ادراکی و تداعی‌کننده محیط در تحقیقات انسان - محیط بر جنبه‌های ادراکی تأکید شده است و می‌توان در مورد واکنش‌های متفاوت طراحان و قرارگیری عموم در محیط بحث کرد. طراحان به نشان دادن عکس‌العمل نسبت به محیط با واژه‌های ادراکی تمایل دارند، حال آن‌که مردم به واژه‌های تداعی‌کننده. معنی بسیاری از محیط‌ها با مسلط شدن بر آن، کامل کردن و تغییر آن به‌وجود

می‌تواند فضاهایی را خلق کند که در فاصله میان روز و شب، خصوصیات و حالت خود را به‌صورتی پویا تغییر دهند. برای نمونه، در مورد استفاده از تأثیر نورپردازی در شب بر افزایش غنای ادراکی در فضاهای شهری می‌توان به نورپردازی با چلچراغ در محله تاریخی باکو و نورپردازی ناشی از تعدد تابلوی مغازه‌ها در مراکز خرید در مرکز شهر چین اشاره داشت. (تصاویر ۱۰ و ۱۱)

۲- مولفه «تأثیر عاطفی»

تا زمانی که به کیفیات متنوع، صرفاً به‌منزله انبوهی از داده‌های متعلق به دنیاهای کاملاً مستقل بینایی، بویایی، لامسه و غیره بیندیشیم، وحدت عین به‌صورت رازی باقی خواهد ماند. لیکن روان‌شناسی مدرن، مشاهده کرده است که هر یک از این کیفیات، به‌جای آنکه کاملاً مجزا باشد، حائز معنایی عاطفی است که میان آن کیفیت و کیفیات مربوط به سایر حواس گونه‌ای مطابقت برقرار می‌کند. برای مثال هر کس که برای آپارتمانی فرش انتخاب کرده باشد می‌داند که از هر رنگ حس و حال خاصی پدید می‌آید که آن رنگ را به رنگی غمگین



تصویر ۱۱. نورپردازی ناشی از تعدد تابلوهای مغازه‌ها در مراکز خرید در مرکز شهر چین. (Garcia, 2013: 24)



تصویر ۱۰. نورپردازی فضاهای شهری با چلچراغ در محله تاریخی (مرکز خرید در مرکز شهر باکو). (Garcia, 2013: 23)



تصویر ۱۳. تأثیر به‌کارگیری فرش‌های ماشینی با طرح‌های نوین بر احساس برگرفته از فضای معماری. www.beytoote.com/art



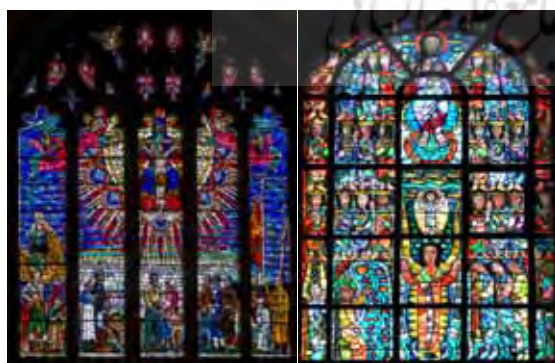
تصویر ۱۲. تأثیر به‌کارگیری فرش‌های دست‌بافت مانند گبه و گلیم بر احساس نوستالژی برگرفته از فضای معماری. www.beytoote.com/art

کالبدی‌اند. خاطره دیدار ماسوله صرفاً خاطره چشم‌اندازهای زیبای آن نیست، بلکه خاطره فراز و نشیب‌هایی است که تن ما و عضلات آن بالا و پایین رفتن از آن را تجربه کرده است، کف پای مان ناهمواری راه‌هایش را فهمیده، دماغ مان بوهای آن را استشمام کرده، و گوش‌های مان مهمه بازارش را شنیده (پالاسما، ۱۳۹۰، ص ۵۶). خاطره ماسوله، خاطره‌ای تنبید است. نمونه دیگر آن خانه آبشار رایت (که جنگل پیرامون، احجام، سطوح، بافت‌ها و رنگ‌های خانه و حتی بوهای جنگل و صدای رودخانه را در یک تجربه کاملاً بی‌همتا در هم می‌آمیزد) و خانه‌های تاریخی ایران است. (تصاویر ۱۶ و ۱۷)

می‌آید (راپاپورت، ۱۳۹۱، ص ۲۳). از نمونه‌های کاربرد این مولفه، می‌توان به استفاده از شیشه‌های رنگی در اماکن مذهبی مانند کلیساها و مساجد اشاره داشت، به‌گونه‌ای که در فضای هر یک از این مکان‌ها به شیوه‌ای متفاوت از عناصر معماری اعم از شیشه‌های رنگی و یا کاربرد مجسمه‌ها، گچ‌بری‌های سقفی و غیره، در جهت القای حسی معنوی در کاربر فضا استفاده می‌شود (تصاویر ۱۴ و ۱۵).

4- مولفه «ادراک جسمی»

درواقع، دلیل این‌که ما مکان‌های خاص را به خاطر می‌آوریم آن است که آن‌ها کالبدمان را متأثر ساخته‌اند، یا ما آن‌ها را از طریق کالبدمان تجربه کرده‌ایم. مثلاً خاطره شهرها و روستاهایی که دیده‌ایم خاطره‌ای صرفاً بصری نیستند، بلکه



تصویر ۱۵. استفاده از شیشه‌های رنگی با داستان‌ها و مضامین مذهبی، در فضاهای کلیساها، به منظور افزایش غنای حسی معنوی در کاربران فضا. (Alihodzik, 2010: 48)



تصویر ۱۴. استفاده از شیشه‌های رنگی، در مسجد نصیرالملک شیراز، به منظور افزایش غنای حسی معنوی در کاربران فضا. (Alihodzik, 2010: 43)



تصویر ۱۷. تأثیر طراحی بر ادراک جسمانی فضا؛ تجربه لایه‌های متفاوت حسی و کالبدی در ماسوله. www.aryazamyn.com



تصویر ۱۶. تأثیر طراحی بر ادراک جسمانی فضا؛ در خانه عامری‌ها در کاشان و سایر خانه‌های تاریخی ایران www.aryazamyn.com

وجود صداهای متنوع مطلوب‌تر خواهد بود (پاکزاد، ۱۳۹۱، ص ۸۰) یا برای نمونه در طراحی کافی‌شاپ‌ها می‌توان با استفاده از برخی عناصر مانند عناصر گیاهی، میزان آرامش روانی را در فضا افزایش داد. از طرفی در نقطه مقابل، برای نمونه در یک میدان شهری، وجود صداهای متنوع، خود نوعی مطلوبیت فضایی است. (تصاویر ۱۸ و ۱۹)

۶- مولفه «شهود»

شهود به معنای درک موضوعی از درون است. درکی که مجزای حضور صرف حواس فیزیولوژیک است. شهود به معنای معرفت ناشی از شناخت قلبی است. از بین فلاسفه‌ای که در دوران مدرن پا به عرصه گذاشته‌اند، بیش از همه «دکارت»^{۱۵} و «برگسون»^{۱۶} به بحث درباره شهود پرداخته‌اند. شهود از نظر دکارت عبارت از تراکم و

۵- مولفه «ادراک روانی»

یکی دیگر از مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضا، ادراک روانی از فضای پیرامون است. به این معنا که یکی از اثرات فضا بر روی ادراک، جنبه روانی آن است برای نمونه یکی از حواس مهم انسان شنوایی است. شنوایی در کنار بینایی ابزار مهم ما برای کسب اطلاعات درباره محیط است. به علاوه، کیفیت و کمیت صدا در محیط یکی از عواملی است که بر کیفیت فضا تأثیر به‌سزایی دارد. اگر صداهای فضا بیش از حد تحمل دستگاه شنوایی ما باشد، ادامه حضورمان ناممکن خواهد بود (پاکزاد، ۱۳۹۱، ص ۷۸). علی‌رغم این تأثیرات باید دقت داشته باشیم که بسته به نوع فضا و توقعاتی که از آن داریم، نوع و میزان صداهای قابل تحمل در فضا می‌تواند متفاوت باشد. غالباً در یک میدان محلی توقع آرامش و سر و صدای کم داریم. در حالی که در یک میدان شهری



تصویر ۱۹: استفاده از جعبه‌های حامل گیاهان در طراحی فضای داخلی یک کافی‌شاپ، به منظور ارتقاء احساس آرامش روانی. (Slavid, 2012: 91)



تصویر ۱۸: انتقال حس روانی تنش، هنگام عبور از پل شیشه‌ای. (Slavid, 2012: 87)

بهم‌فشرده‌گی لحظات مختلف زمان، در یک فعلِ آنی است. برگسون، شهود را دیرند می‌داند و شهود را فعلی می‌داند که از رهگذر آن، ما با خود متحد و یکی می‌شویم و می‌توانیم خود را بی‌هیچ واسطه و بی‌درنگ بنگریم. (رویایی، ۱۳۸۵، ص ۸۰). شهود در معماری نیز مانند سایر هنرها، می‌تواند تا اندازه‌ای چه بر ادراک خودِ معمار از طراحی آینده‌اش و چه بر ادراکِ کاربرِ فضا تأثیرگذار باشد. (Brefeilh, 2013: 425-439) البته برخی از معماران، به‌صورتی اغراق‌آمیز ادعا می‌کنند که طرح‌هایشان را با تمام جزئیاتش در خواب دریافت کرده‌اند. اگرچه این امر می‌تواند در مواردی درست یا غلط باشد، ولی باید یادآور شد الهام به‌تنهایی کافی نیست. چیزی که ما آن را شهود می‌نامیم بهتر است به مهارت توصیف‌اش کنیم: تنها کسانی که دانش را در زمینه‌ای درونی کرده باشند می‌توانند بدون خودآگاهی اندیشمندانه دفعتاً به نتیجه‌گیری درستی دست یابند. (Jormakka, 2007: 76) در پروژه‌ای که یک غرفه رسانه‌ای برای کشور سوئیس است؛ معمار آمریکایی تبار؛ «ریکاردو اسکوفیدیو»^{۱۷} در این پروژه که با نام «ساختمان مه‌آلود»^{۱۸} شناخته شده است، با خلق فضایی مه‌آلود از طریق پمپاژ آب دریاچه‌ای واقع در سوئیس به داخل فضای این بنا، امکان تجربه حسی از تعلیق را در کاربران فراهم می‌کند. (تصاویر ۲۰ و ۲۱)

۷- مولفه «هم‌نشینی حواس»

شهر به‌گونه‌ای چند-حسی ادراک می‌شود؛ ما شهر را می‌شنویم، و هر شهری صدا و صوتِ ویژه خود را که وابسته به عرض خیابان‌ها، فعالیت‌های مردم، مواد و مصالح کف

گذرها، ارتفاع بناها و سبک متداول آن‌ها است، داراست. ما شهر را لمس می‌کنیم، و سردی و گرمی کف خیابان‌ها و کوچه‌ها، دیوارها و نماها در تن‌مان نفوذ می‌کند. ما شهر را استشمام می‌کنیم، و بوی هوا و سبکی و سنگینی آن، عطر گل‌ها و گیاهان آن، رایحه غذاها و مغازه‌های آن در تن‌مان می‌نشیند. ما شهر را می‌چشیم و تندلی و شیرینی آن را به‌خاطر می‌سپاریم. شهر، بدین‌سان، با مشارکت حواس و به‌واسطه کالبدمان دریافت می‌شود (شیرازی، ۱۳۹۱، صص ۸۱ و ۸۲). یکی دیگر از مواردی که می‌توان در آن استفاده از مولفه هم‌نشینی حواس را برای تحت‌تأثیر قرار دادن و افزایش غنای ادراک حسی به‌وضوح مشاهده کرد، طراحی باغ‌های ایرانی است. تمامی نظام‌های موجود در طراحی منظر طبیعی باغ ایرانی، تأثیر مستقیم بر حواس پنج‌گانه انسان دارد و به‌طور هم‌زمان تحریک حواس را تشدید می‌کند. باغ ایرانی از طریق هم‌نشینی حواس ادراک جامعی را فراهم می‌آورد. به‌طور خلاصه می‌توان به مولفه‌هایی که باعث فراهم آمدن این قابلیت در باغ ایرانی می‌شوند اشاره داشت، این مولفه‌ها عبارتند از: تنوع فضاها، گونه‌های سبز گیاهی، گل‌ها و گیاهان رنگین، گیاهان دارویی، کاهش صداهای نامطلوب محیطی به‌کمک نظام آوا و ظهور آب در گونه‌های مختلف (نیلی، ۱۳۹۱، ص ۶۷). در تصاویر زیر دو نمونه از باغ‌های ایرانی به‌همراه مولفه‌های محیطی دربرگیرنده‌شان قابل مشاهده است. یکی از پروژه‌های انجام شده با تأکید بر استفاده از مولفه «هم‌نشینی حواس»، پروژه «پُل‌های شناور»^{۱۹} بر روی دریاچه «ایزه»^{۲۰} اثر دو هنرمند به نام‌های «کریستو» و «ژان کلود»^{۲۱} در ایتالیا است. در این پروژه مردم



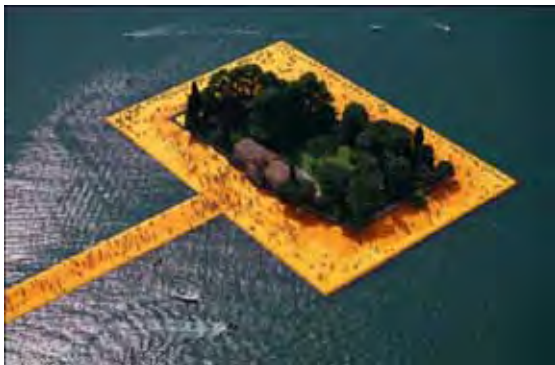
تصویر ۲۱. تجربه حسی از تعلیق، در پروژه ساختمان مه‌آلود در شب‌هنگام.



تصویر ۲۰. تأثیر معمار بر ادراک کاربر فضا از مولفه شهود؛ خلق فضایی مه‌آلود و ابرمانند در پروژه ساختمان مه‌آلود اثر معمار معاصر، ریکاردو اسکوفیدیو. (Sternadt, 2010: 17)



(Sternadt, 2010: 18)



تصویر ۲۳. پروژه «پلهای شناور» بر روی دریاچه ایزه در ایتالیا، به طراحی هنرمندانی به نام کریستو و ژان کلود. www.christojeanneclaude.net



تصویر ۲۲. استفاده از مولفه «هم‌نشینی حواس» در طراحی منظر باغ‌های ایرانی؛ باغ ارم در شیراز. www.aryazamyn.com

فضای معماری از دو منظر می‌توان مورد مطالعه قرار داد. نخست می‌توان عامل حضور و عدم حضور انسان‌ها را در فضا، به‌عنوان عاملی که بر نوع ادراک فضا اثرگذار است در نظر گرفت مانند استادیومی که در مواقعی از سال مملو از جمعیت انسانی است و در مواقعی دیگر خالی از حضور انسان‌هاست. منظر دیگری که می‌توان به تأثیر مولفه حضور انسان بر ادراک حسی فضای معماری داشت، متوجه حالات روحی، روانی و ذخیره ذهنی و فرهنگی فرد خود فرد است که بر نوع ادراک وی از فضای معماری تأثیرگذار است. به عبارت دیگر فضایی که برای یک فرد فضایی مثبت و شادی‌آفرین تلقی می‌شود، می‌تواند برای فرد دیگری به دلیل یادآوری خاطره‌ای بد در گذشته، منفی و حزن‌انگیز باشد. (تصاویر ۲۴ و ۲۵)

می‌توانند تجربه‌ای نامتعارف و کمتر تجربه شده را با راه رفتن بر روی این پلهای شناور با درگیر شدن تمامی حواس‌شان تجربه کنند. (تصاویر ۲۲ و ۲۳)

۸- مولفه «حضور انسان»

آدمی شناخت فضای معماری را بی‌پیشینه‌های ذهنی خود آغاز نمی‌کند؛ آنچه که توقع یا انتظار دارد ببیند و دریابد، حتی اگر چونی‌ها و چندی‌هایش پیش‌تر به او القاء نشده باشند، با تمامی تجربه‌های پیشین وی در شناخت و ارزیابی و نیز در بهره‌وری از فضا، سنجیده می‌شود. در این سنجش، هم ضمیر آگاه و هم ضمیر ناآگاه وی مداخله دارند. نتیجه برداشت آدمی از فضای معماری، از تجربه‌های ذهنی و شخصی و فردی او تأثیرپذیر است (فلامکی، ۱۳۸۷، صص ۱۶ و ۱۷). تأثیر مولفه حضور انسان را بر ادراک حسی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۸۲



تصویر ۲۵. تأثیر مولفه حضور انسان بر ادراک حسی فضا؛ تقویت اثر مثبت از یک بنای تاریخی بر ذهن افراد حاضر، بر اثر برگزاری مراسم عروسی.



تصویر ۲۴. استادیوم فوتبال موناکو در هنگام روز و برگزاری مسابقات؛ مملو از جمعیت انسانی. www.asmonaco.com

جدول ۳. مولفه‌های پیشنهادی توسط «نگارنده» / مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک پنهان (بالقوه) فضای معماری

عنوان «مولفه‌ها»		تعریف هر یک از مولفه‌های تأثیرگذار و «معادل‌های معماری»
۱	مولفه «زمان»	مولفه «زمان»: تأثیر حس زمان بر فرآیند ادراک فضای معماری و تلفیق شدن آن با سکانس‌های فضایی / آگاهی از «وابسته بودن معنا و مفهوم زمان به موجودیت ذهنی - فردی و شخصی انسان‌ها» / تفاوت میان افراد تک‌زمانی و چندزمانی.
۲	مولفه «تأثیر عاطفی»	مولفه «تأثیر عاطفی»: تأثیر بار عاطفی هر فضا بر ادراک کاربر از فضای معماری / توجه به بار معنایی خاص هر فضا / استفاده از ویژگی تداعی خاطره در جهت به یادآوری خاطرات حسی خاص.
۳	مولفه «معنا»	مولفه «معنا»: توجه هم‌زمان به مباحثی مانند تأویل و هرمنوتیک / توجه به چگونگی ایجاد ارتباط میان آفریننده فضا و مخاطب فضا جهت انتقال معنا و ایجاد دیالوگ میان آنها.
۴	مولفه «ادراک جسمی»	مولفه «ادراک جسمی»: تجربه کالبدی مکان‌های خاص از طریق ادراک جسمانی / تجربه شهرها و روستاهای خاص / خاطره بصری در کنار تجربه کالبدی بنا / خاطره ماسوله خاطره‌ای تن - بنیاد.
۵	مولفه «ادراک روانی»	مولفه «ادراک روانی»: تأثیرات روانی ناشی از حس مصالح گوناگون و اصوات گوناگون با کیفیت‌های مختلف در معماری و فضای شهری / لزوم تشخیص چگونگی خلق تجربه فضا با شناخت مباحث روان‌شناسی ادراک.
۶	مولفه «شهود»	مولفه «شهود»: استفاده از شهود و الهام در خلق فضای معماری توسط برخی معماران معمار / شهود همان مهارت زمانی که دانش در زمینه‌ای درونی شده / روشی برای پردازش طرح‌های پیچیده.
۷	مولفه «هم‌نشینی حواس»	مولفه «هم‌نشینی حواس»: عدم امکان بررسی هر حس به صورت مستقل و به دور از سایر حواس / توجه به هم‌نشینی حواس در طراحی فضای معماری توسط شخص معمار و ادراک‌کننده‌ها.
۸	مولفه «حضور انسان»	مولفه «حضور انسان»: اثر وجدان درونی فرد بر نحوه ادراک از فضای اطرافش / تأثیر تجربه‌های ذهنی، شخصی و فردی شخص بر نتیجه برداشت‌های آدمی از فضای طبیعی، اجتماعی و فرهنگی / تأثیر حضور انسان‌ها بر حس فضا.
مولفه‌های برگرفته از «مطالعات نظری پایه» / مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک آشکار (بالفعل) فضای معماری		
۱	مولفه «فرهنگ»	مولفه «فرهنگ»: یکی از مولفه‌های بسیار تأثیرگذار بر چگونگی ادراک / تجربه «یک رایحه و صوت ویژه ندانسته در فرهنگی خاص باعث ورود به فضایی که حافظه بصری آن را به کل فراموش کرده.
۲	مولفه «جنسیت»	مولفه «جنسیت»: تأثیر جنسیت بر ادراک فضای معماری با توجه به تفاوت‌های فیزیولوژیکی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی میان مردان و زنان و پیشینه فرهنگی در یک جامعه.
۳	مولفه «سن»	مولفه «سن»: تفاوت ادراک از فضا در سنین مختلف / توجه به سن کاربران فضای طراحی شده / برای نمونه تفاوت در مقیاس عناصر فضای داخلی در یک مهدکودک با یک دانشگاه.
۴	مولفه «رنگ»	مولفه «رنگ»: توجه به تناسب رنگ انتخابی غالب جهت طراحی فضای داخلی با کاربری فضا و هدف معمار از چگونگی استفاده از فضا توسط کاربران / استفاده از رنگ‌های گرم در فست‌فودها در مقایسه با رستوران‌های کلاسیک.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

Maurice Merleau- 9 / Bomhee - 8 / Marc Auge 7
 The Production - 11 / Michel Foucault - 10 / Ponty
 Conceived - 13 / Perceived Space - 12 / of Space
 / Lived Space - 14 / Lived Space - 14 / Space
 Lived - 14 / Lived Space - 14 / Lived Space - 14
 / Lived Space - 14 / Lived Space - 14 / Space
 Henry - 16 / Rene Descartes - 15 / Lived Space - 14
 / Blur Building - 18 / Bergson - 17 /
 Chiristo - 21 / Iseo Lake - 20 / The Floating Piers - 19
 & Jeanne-Claude

منابع و مآخذ

۱. آلتمن، ایروین. (۱۳۹۰). محیط و رفتار اجتماعی؛ خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام. ت: علی نمازیان. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. اوژه، مارک و ژان پل کولن. (۱۳۸۸). انسان‌شناسی. ت: ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
۳. اوژه، مارک. (۱۳۸۷). نامکان‌ها: درآمدی بر انسان‌شناسی سوپرمدرنیته. ت: منوچهر فره‌مند. تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۴. بنیامین، والتر. (۱۳۹۲). خیابان یک‌طرفه. ت: فرزاد حمید فرازنده. تهران: نشر مرکز.
۵. پاکزاد، جهان‌شاه و حمیده بزرگ. (۱۳۹۱). الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان. تهران: انتشارات آرمان شهر.
۶. پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۰). چشمان پوست: معماری و ادراکات حسی. ت: رامین قدس. تهران: گنج هنر، نشر پرهام نقش.
۷. پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۲). دست متفکر: حکمت وجود متجسد در معماری. ت: علی اکبری. تهران: نشر پرهام نقش.
۸. حریری، نجلا. (۱۳۹۰). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

هدف از این نوشتار، بازشناسی و توجه به زوایای پنهانی بود که در ادراک فضای معماری نقش قابل توجهی دارند ولی در اکثر مواقع مورد غفلت واقع می‌شدند. شناخت این مولفه‌ها می‌تواند یاری‌گر هنرمندان و به‌طور خاص معماران در شناسایی طراحی هر چه بهتر فضای معماری باشد. علاوه بر آن نظر به تغییر نوع فرآیند ادراک در عصر اطلاعات، لزوم انجام پژوهش‌های بیشتر در مورد تأثیرات ناشی از مولفه‌های عصر اطلاعات مانند رسانه‌ها، تکنولوژی، رایانه و... بر ادراک انسان معاصر بیش از پیش احساس می‌شود که با شناخت هر چه بهتر این مولفه‌ها و بررسی چگونگی تغییرات به‌وجود آمده در آنها در دوران معاصر نه تنها می‌توان تبعات آنها را مورد بررسی قرار داد، بلکه با شناخت بیشتر تأثیرگذاری هر یک از آنها بر ادراک انسان، می‌توان خالق فضاهایی متناسب با نیازهای انسان معاصر بود، به‌گونه‌ای که بتوان وی را تا حدی از سرگردانی دائمی رها کنید. خلق فضاهایی که نه تنها متناسب با نیازهای امروز وی است، بلکه حامل ویژگی‌هایی است که تأمین‌کننده حلقه ارتباطی میان حواس اندرونی و بیرونی او است و می‌تواند هم‌زمان به غالب حواس انسان پاسخگو باشد. حال به اختصار، یافته‌های حاصل از تأثیر هر یک از مولفه‌های پیش‌گفته بر ادراک حسی فضای معماری ذکر می‌شود.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله مراتب سپاس و قدردانی خود را از خانم دکتر سوگل سوهانگیر که در طی دوران انجام پژوهش راهبرم بوده‌اند، بیان می‌دارم.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- با توجه به مطالب ذکر شده در کتاب «الانسان الكامل» نوشته عزیزالدین نَسَفی، به‌طور کلی ده حس شامل پنج حس اندرونی و پنج حس بیرونی وجود دارد که در بخش‌های آتی به آن اشاره شده است. /
- 2- Juhani pallasmaa / 3- Peter Zumthor / 4- Rudolf / 5- Henri Lefebvre / 6- Walter Benjamin /

۹. کرین، تیم و دیگران. (۱۳۹۱). مسائل و نظریه‌های ادراک حسی در فلسفه معاصر. ت: یاسر پوراسماعیل. تهران: نشر حکمت.
۱۰. گروت، لیندا و دیوید وانگ. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. فوکو، میشل. (۱۳۹۲). اراده به دانستن (جلد اول تاریخ جنسیت). ت: نیکو سرخوش و افشین جهانانیده. تهران: نشر نی.
۱۲. فلامکی، محمدمنصور و دیگران. (۱۳۸۳). معماری و موسیقی. تهران: نشر فضا.
۱۳. فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۷). ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری. تهران: نشر فضا.
۱۴. شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۱). معماری حواس و پدیدارشناسی طریف یوهانی پالاسما. تهران: نشر رخداد نو.
۱۵. راپاپورت، آموس. (۱۳۹۱). معنی محیط ساخته‌شده؛ رویکردی در ارتباط غیرکلامی. ت: فرح حبیب. تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۱۶. مرلو-پونتسی، موریس. (۱۳۹۱). جهان ادراک. ت: فرزاد جابرالانصار. تهران: نشر ققنوس.
۱۷. مک‌آندرو، فرانسیس تی. (۱۳۹۲). روان‌شناسی محیطی. ت: غلامرضا محمودی. تهران: نشر وانیانیا.
۱۸. امیری، نادر و آرش رضایپور. (۱۳۹۱). هنری لفور و تولید اجتماعی فضا. فصلنامه جامعه، فرهنگ و رسانه. (۴): ۱-۱۷.
۱۹. طهوری، تیر. (۱۳۸۴). والتر بنیامین: نظریه فقدان تجلی در هنر مدرن. فصلنامه فرهنگستان هنر. (۳۹): ۳۸-۷۹.
۲۰. کمالی، ماندانا و دیگران. (۱۳۸۸). طراحی و مناسب‌سازی فضاهای شهری برای حضور زنان. همایش ملی زن و معماری. تهران.
۲۱. نیک‌فرجام، امید. (۱۳۷۷). اثر هنری در عصر تکثیر مکانیکی. فصلنامه فارابی. (۳۱): ۲۱۰-۲۲۵.
۲۲. نیلی، رعنا و دیگران. (۱۳۹۱). چگونگی بازتاب شاخصه‌های مناظر شفابخش در الگوی منظر باغ ایرانی. فصلنامه علمی- پژوهشی باغ نظر. (۲۳): ۶۵-۷۴.
۲۳. یزدخواستی، بهجت و دیگران. (۱۳۸۷). مفهوم بدن در اندیشه فلسفی مرلو پونتسی و چالش‌های نظری در قرائت جامعه‌شناختی آن. ماهنامه معرفت. (۱۲۶): ۱۲۹-۱۳۹.
24. Alihodzik, R. & Kortovik, N. (2010). Phenomenology of Perception and Memorizing Contemporary Architectural Forms. Architecture and Civil engineering of FACTA Magazine, (4): 425-439.
25. Breffleilh, R. & Azarbayjani, M. (2013). Technology and the Senses: Multi Sensory Design in the Digital Age. UNC Magazine, (4): 425-439.
26. Jormakka, K. & et al. (2007). Basics Design Methods. Berlin: Birkhäuser Architecture Press.
27. Lawson, B. (2001). The Language of space. Boston: Architectural Press.
28. Leitner, B. (2012). Sound Spaces. Vienna: Atelier Leitner.
29. Slavid, R. (2012). 10 Principles of Architecture. New York: Vivays Publishing.
30. Sternadt, D. & Tavares, J. M. (2010). Introduction of Human Perception in Visualization. University of Porto Magazine, (25): 2-28.
31. Zumthor. P. (1988). Thinking Architecture. Berlin: Birkhaser Press.
32. Zumthor. P. (2005). Peter Zumthor Works (Buildings & Projects 1979-1997). Berlin: Birkhaser Press.

34. Garcia, P. (2013). The Architectural Void: Space as Transgression in PostModern Short Fiction of the Fantastic (1974-2020). School of Architecture, Dublin University University. Supervisor: Professor Jean Philippe Imbert.
33. Seamon, D. (2013). Rethinking Aesthetics: The Role of Body in Design, “Environmental Embodiment, Merleau – Ponty, and Bill Hillier’s Theory of Space Syntax: Toward a Phenomenology of People-in-place”. New York: Routledge Press.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017